

The solutions for providing politic-political security and sustainable security of the Islamic Republic of Iran from the perspective of Imami jurisprudence

Maryam Moshashaie¹

Marziyeh Pilehvar²

Ali Sadeghi Shahpar³

Type of article: A research article taken from a doctoral thesis

Received: 05/12/2023

Accepted: 06/02/2024

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.9/NO.1 (serial 31)/Spring 2024*109-134



DOI:20.1001.1.25381946./ssj.2024.102418

Abstract

Background and purpose: Police-political security is considered one of the most important factors in maintaining the stability of countries, and due to its very important role, it has also been discussed in Islamic jurisprudence, and it is considered as a provider of peace and stability and the beginning of progress and development of society. This research has been written with the aim of emphasizing the importance of stable political and policing security in the Islamic Republic of Iran and analyzing the ways to ensure it from the perspective of Imami jurisprudence.

Method: The present research was carried out using a descriptive-analytical method based on library studies and analysis of scientific articles, and jurisprudential and legal issues related to policing and political security in Islam were investigated.

Findings: In the discussion of the solutions for providing police and political security in the continuation and stability of the Islamic Republic of Iran from the point of view of Imami jurisprudence, it is possible to mention the strengthening of the police and military forces, the development of regional and international cooperation, and attention to domestic development.

Results: Islam emphasizes that the government should act with justice and encourage people to commit to the government. It is also important to promote justice and fairness and improve the level of education and transparency in affairs and strengthen the judicial system in ensuring political and law enforcement security. Paying attention to people's needs can also strengthen the feeling of security. The results of the present study indicate that Islam, as a society-oriented religion, provides the achievements of political security through these principles.

Keywords: security, political security, police security, Islamic Republic of Iran, legal solutions.

1. Doctoral student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. m.moshasha@chmail.ir

2. Assistant Professor Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Humanities, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (corresponding author).spring313@ymail.com

3. Assistant Professor Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Humanities, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. m.mary700@gmail.com

راهکارهای تأمین امنیت انتظامی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران از منظر فقه امامیه

مریم مشعشعی^۱

مرضیه پیلهور^۲

علی صادقی شهپر^۳

نوع مقاله: مقاله پژوهشی برگرفته از رساله دکتری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال نهم/ شماره ۱ (پیاپی ۳۱) - بهار ۱۴۰۳* ۱۰۹-۱۳۴



DOI: 20.1001.1.25381946/SSJ.2024.102418

چکیده

زمینه و هدف: امنیت انتظامی - سیاسی یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ پایداری کشورها به‌شمار می‌رود و باتوجه‌به نقش بسیار مهم آن، در فقه اسلامی نیز به آن پرداخته شده و به‌عنوان تأمین‌کننده آرامش و نقطه آغاز پیشرفت و ترقی جامعه در نظر گرفته شده‌است. این پژوهش باهدف تبیین راهکارهای تأمین امنیت انتظامی - سیاسی در جمهوری اسلامی ایران از منظر فقه امامیه نگاشته شده‌است.

روش: پژوهش حاضر که ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد، با رویکرد کیفی بر پایه مطالعات اسنادی و تجزیه‌وتحلیل مقالات علمی انجام شده و مطالب فقهی و حقوقی مرتبط با امنیت انتظامی و سیاسی اسلامی در آن مورد بررسی قرار گرفته‌است. مطالب با ابزار فیش‌برداری گردآوری و پس‌از کدگذاری، تجزیه‌وتحلیل کیفی شده‌است. کدهای احصاشده به تأیید دو متخصص رسید و پس‌از دریافت نظرات اصلاحی و انجام اصلاحات موردنظر، به‌عنوان گزارش نهایی ارائه شد.

یافته‌ها: در بحث راهکارهای تأمین امنیت انتظامی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران تعداد شش راهکار از منظر فقه امامیه، در خصوص موضوع استخراج و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و نظامی دسته‌بندی شد. **نتایج:** ترویج عدل و انصاف و ارتقای سطح آموزش و شفافیت در امور و تقویت نظام قضایی و توجه‌به نیازهای مردم در تضمین امنیت انتظامی - سیاسی نیز حائز اهمیت است. نتایج پژوهش حاضر بیانگر این نکته است که اسلام به‌عنوان یک دین جامعه‌محور، دستاوردهای امنیت انتظامی - سیاسی را از طریق این اصول تأمین می‌کند. **واژگان کلیدی:** امنیت سیاسی، امنیت انتظامی، جمهوری اسلامی ایران، راهکارهای فقهی.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. m.moshasha@chmail.ir

۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان ایران، spring313@ymail.com

۳. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران، m.mary700@gmail.com

مقدمه

در جهان معاصر، یکی از چالش‌های اساسی کشورها و جوامع بین‌المللی، مسئله تضمین امنیت انتظامی - سیاسی است. امنیت انتظامی - سیاسی، به‌عنوان پیش‌نیاز پیشرفت و ترقی جامعه، حائز ویژگی‌های خاصی چون حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان، حفظ نظم و انضباط اجتماعی، حفظ امنیت و امانت عمومی است و در این خصوص در اسلام، راه‌حل‌های قابل تشخیصی از دیدگاه فقهی ارائه شده است؛ بنابراین، اهمیت بررسی و درک چارچوب مفهومی و اصول راهبردی امنیت انتظامی - سیاسی در حوزه فقه ضروری است. این چارچوب شامل توجه به مبانی اسلامی و اخلاقی در راهبرد های امنیتی، تحقق عدالت و امنیت برای همه افراد و جوامع، حفظ حقوق انسانی و حیثیت انسانی، پیشگیری از تهدیدها و خطرات امنیتی، استفاده از دیپلماسی و مذاکرات برای حل و فصل اختلافات، توجه به تعامل و همکاری با کشورهای دیگر در حوزه امنیت، مراعات حقوق بشر و اصول اخلاقی در اقدامات امنیتی و استفاده از فناوری و ابزارهای نوین برای تقویت امنیت انتظامی - سیاسی است.

ادبیات مرتبط با تأمین امنیت در جمهوری اسلامی ایران باید مبتنی بر اصول و مبانی فقهی اسلام باشد. این موضوع محققین را بر آن داشته است تا با بررسی فقهی، اصول و مبانی حاکم بر تأمین امنیت انتظامی - سیاسی را احصا نمایند؛ بنابراین، این پژوهش با هدف پاسخ‌گویی به این سوال نگاشته شده است که راهکارهای تأمین امنیت انتظامی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

پیشینه

کرمانی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تدبیر و انتظام ملی» به مبحث تعریف تدبیر در نظام هستی پرداخته و بیان می‌کنند که از آنجاکه پلیس در جامعه، به‌نوعی مدبر امور نظم و امنیت است، ترجمان صفت تدبیر محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف تبیین ارتباط تدبیر با عملکرد پلیس نگاشته شده و بر این فرضیه استوار است که اعمال قانون با هدف کسب رضایتمندی مردم، مستلزم تدبیر مأموران است که مهم‌ترین رکن آن، اخلاق محوری است و از آنجاکه پلیس

مظهر حاکمیت است، به منظور برقراری امنیت و نظم، باید از اقتدار لازم برخوردار باشد؛ اما این اقتدار به معنای ایجاد اقتدار مطلوب است که منظور از آن، قاطعیت در کنار عدالت، مروت و ترحم است؛ همان‌گونه که ذات مقدس پروردگار در عین آنکه "رحمان" و "رحیم" است، صاحب "عذاب الیم" نیز است.

رادان (۱۴۰۰) در مقاله «الگوی شناخت و تحلیل محیط امنیتی» تلاش کرده است تا ضمن ارائه یک الگوی تحلیلی در زمینه محیط امنیتی، چارچوب روش‌شناختی مشخصی برای شناخت و تحلیل محیط امنیتی و ارتباط آن با استراتژی‌های امنیتی ارائه کند. فرضیه اصلی این پژوهش، این است که محیط امنیتی یک بازیگر ورودی و نهاده نظام راهبری و تدوین استراتژی امنیتی آن محسوب می‌شود. این ورودی در فرآیند ادراک محیطی و دریافتی که تصمیم‌سازان از داده‌های محیط امنیتی دارند، پردازش شده و خروجی آن با نگاه به جهت‌سازهای راهبردی و در قالب کنش‌ها و تصمیمات شناخته‌شده‌ای همچون استراتژی امنیتی بروز و ظهور می‌یابد.

علیرضاییگی (۱۳۹۹)، در مقاله «نقش راهبری دولت در استحکام و انتظام‌بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت با تأکید بر دیدگاه‌های مقام‌معلم رهبری» در مقام پاسخ به این سوال است که براساس اندیشه‌های مقام‌معلم رهبری، دولت (قوه مجریه) چگونه می‌تواند در استحکام و انتظام‌بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت جمهوری اسلامی ایران نقش داشته باشد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نقش حکومت در ساختار درونی اقتدار ملی در بعد داخلی، شش حوزه اساسی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و معنوی را متأثر می‌سازد و در بعد خارجی، با فعال‌سازی و بهره‌مندی از منابع معنوی قدرت و امنیت، بهره‌گیری از توانمندی مادی قدرت و امنیت، دیپلماسی فعال و انقلابی، اعتمادبه‌نفس و قاطعیت در بیان اصول، اهداف، روش عملی نظام و عزت حکمت و مصلحت، می‌تواند چهره‌ای مقتدارانه از نظام اسلامی در افکار عمومی جهان ارائه دهد.

کرمانی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «نظم و امنیت در تراز تمدن نوین اسلامی؛ نیروی انتظامی یار مهربان و مقتدر» به مقایسه اجمالی امنیت در نگاه

غربی و اسلامی پرداخته و به تقدم حکیمانه «نظم و امنیت» بر «تمدن نوین اسلامی» اشاره می کند و امنیت را از اساسی ترین ارکان و مؤلفه های تمدن نوین اسلامی برمی شمرد.

اسماعیلی و حمزه پور (۱۳۹۷) در مقاله «امنیت و نظم عمومی در اسلام با تأکید بر سیاست های کیفی فقه اسلامی» ضمن مروری بر مفهوم امنیت و ابعاد آن، نسبت حقوق و امنیت و امنیت و نظم عمومی از نگاه درون دینی با تأکید بر سیاست های کیفی فقه اسلامی در دو زمینه جداگانه امنیت عمومی و در دو حوزه اساسی و مکمل امنیت فکری - فرهنگی و امنیت سیاسی - اجتماعی را بررسی نموده و در کنار آن، برخی از مصادیق اصلی تهدیدکننده آنها از جمله ارتداد و محاربه و راهکارهای مقابله با آنها، با تأکید بر مسئولیت حکومت دینی را تحلیل کرده اند.

حاجی زاده (۱۳۹۶) در مقاله «کسب امنیت ملی از منظر امام علی (ع) با تأکید بر نقش و کارکرد نیروهای نظامی و انتظامی» بر این نکته تأکید می کند که واکاوی نقش و کارکرد نیروهای نظامی و انتظامی در کسب امنیت ملی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا نه تنها ممکن است همکاری قشرهای مختلف جامعه را در این زمینه در پی داشته باشد، بلکه انگیزه دولت ها را در توجه بیشتر به این نیروها افزایش می دهد و در نهایت، امنیت را در جنبه های مختلف در جامعه مستقر می سازد. بررسی منابع متقدم به خصوص منابع تاریخی، حدیثی و به ویژه نهج البلاغه نشان می دهد که امام علی (ع) برای استقرار امنیت، مؤلفه های مهمی را ضروری دانسته اند که از مهم ترین آنها بهره گیری از نیروهای نظامی و انتظامی است.

باقرزاده و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه» انجام داده اند و نتایج حاصل از آن نشان داد که براساس آیات و روایات و حکم قطعی عقل، می توان گفت که یکی از ضروریات مسلم و اهم واجبات در اسلام، حفظ نظام جامعه و زندگی مردم است. با توجه به قاعده وجوب حفظ نظام و منع اخلال در آن، به طور خلاصه، می توان گفت که یکی از واجبات مهم اسلام، حفظ نظام اسلامی، جامعه و معیشت مردم است؛ گرچه فقها به طور مستقل درباره این مسئله بحث نکرده اند

ولی از سخنان آنها در موارد گوناگون به دست می‌آید که وجوب حفظ نظام جامعه از مسلمات فقه است؛ بنابراین، شکی نیست که هر اقدامی که ضد اسلام، جان و نفوس مسلمین و نیز هر آنچه که سبب برهم‌ریختن نظام زندگی و معیشت جامعه شود، ممنوع و حرام است و کارهایی که برای حفظ نظام جامعه ضرورت دارد، واجب است. اگر بین حفظ نظام و دیگر احکام شخصی یا اجتماعی، تزامنی پیش آید، حفظ نظام بر آنها مقدم است؛ زیرا حفظ نظام از واجباتی است که شارع اسلام به هیچ وجه نسبت به ترک آن راضی نیست؛ از این رو، حاکم جامعه اسلامی موظف است که به هنگام تزامن میان حفظ نظام معیشتی مردم با امور دیگر، حفظ نظام را مقدم بدارد؛ البته این تقدم تا آنجا جایز است که با اساس اسلام و عدالت در تضاد نباشد.

برزگر و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان «اصول و کارکردهای امنیت سیاسی در اسلام» انجام دادند و نتایج حاصل از آن نشان داد که امنیت از نیازهای ضروری و حیاتی بشر - چه از بعد فردی و چه اجتماعی - است و به لحاظ فطری و غریزی، دو نیاز معاش و تأمین امنیت برای انسان‌ها از نیازهای اولیه محسوب می‌شود؛ از این رو، یکی از مباحث اصلی تمام مکاتبی که به مسائل و نیازهای انسانی توجه دارند، تلاش در ارائه تعریفی روشن از مفهوم امنیت است. اسلام نیز به عنوان مکتبی با هویت معین و کامل‌ترین و آخرین دینی که خداوند برای سعادت و هدایت بشر تعیین نموده است؛ همه اصول و راهکارهای چگونگی اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان را ارائه کرده است. با بررسی در متون دین اسلام می‌توان دریافت که امنیت یکی از نعمت‌های الهی است که خداوند به انسان‌ها ارزانی داشته است و از این رو، تبیین و فهم امنیت و ابعاد آن از دیدگاه اسلام، از مباحث ضروری جامعه دینی و بلکه همه جوامع بشری است.

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که عمده پژوهش‌های منتشر شده در این حوزه، به اهمیت مسئله امنیت اشاره داشته و اغلب به منابع غربی استناد کرده‌اند و حتی در این خصوص نیز بیشتر به مسائل امنیت انتظامی و سیاسی به لحاظ کلی پرداخته شده است. در واقع، در هیچ یک از پژوهش‌ها، دیدگاه بلند اسلام در بحث تأمین امنیت انتظامی - سیاسی مورد بررسی قرار نگرفته است و ارتباط این مقوله با امنیت

پایدار جمهوری اسلامی ایران نیز از جهت فقهی به بحث گذاشته نشده است. در واقع، بیشتر پژوهش‌های موجود، به صورت گذرا به موضوع مزبور پرداخته‌اند و یک پژوهش عمیق علمی در این راستا انجام نشده است. در بررسی ارائه راهکارهای فقهی تأمین امنیت انتظامی - سیاسی در امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران، فقط مسئله امنیت انتظامی - سیاسی به عنوان مفاهیمی در چارچوب بحث فقه امنیتیتی بررسی شده و پژوهش متقنی پیرو ارائه راهکارهای تأمین امنیت انتظامی - سیاسی و ارتباط آنها با امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران انجام نشده است؛ از این رو بیان راهکارهای فقهی در ابعاد امنیت انتظامی - سیاسی ضروری به نظر می‌رسد.

مبانی نظری

امنیت: امنیت به معنای حالتی است که در آن، خطرات و تهدیدها کاهش یافته و حفاظت از چیزی یا کسی تضمین شده است (بوزان، ۱۳۸۷: ۵۳). در اصطلاح تخصصی، امنیت به توصیف وضعیتی می‌پردازد که در آن، خطرپذیری و تهدیدها به حداقل رسیده و احتمال وقوع حوادث ناخواسته کاهش یافته است؛ برای مثال، امنیت فیزیکی به معنای حفاظت از جان و سلامتی افراد، امنیت سایبری به معنای محافظت از اطلاعات و داده‌ها در فضای مجازی و امنیت اجتماعی به معنای حفظ نظم و آرامش در جوامع و سطوح مختلف اجتماعی است. بنابراین، امنیت به معنی تضمین حفاظت و محافظت از عوامل مختلفی است که برای افراد، سازمان‌ها و جوامع اهمیت دارد تا از این طریق، خطرها و تهدیدها کاهش یافته و وضعیتی امن و آرام فراهم شود.

ابعاد امنیت از دیدگاه اسلام: امنیت در اسلام به سه بعد عینی - ذهنی، واقعی - مجازی و درونی - بیرونی تقسیم می‌شود. امنیت عینی، امنیت فیزیکی خارج از ذهن است؛ در حالی که امنیت ذهنی به آرامش داخلی فرد مرتبط است و اگر با واقعیت هم‌خوانی داشته باشد، امنیت واقعی است؛ در غیر این صورت، امنیت مجازی نامیده می‌شود (نباتیان، ۱۴۰۰: ۳۵).

ابعاد امنیت از دیدگاه غرب: باری بوزان - بنیانگذار مکتب مطالعات امنیتی کپنهاک - ابعاد امنیت را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی دسته‌بندی کرده است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

امنیت سیاسی: امنیت سیاسی ترکیبی از «امنیت» و «سیاست» است. منظور از امنیت، در امان بودن، بی‌بیمی، آسایش و بی‌هراسی است (معین، ۱۳۷۵: ۳۵۴) و نیز به معنای حفاظت و محافظت از چیزی یا کسی در برابر خطرها، تهدیدها و ضررهای محتمل استفاده می‌شود (قریشی، ۱۳۵۲: ۱۲۳). واژه سیاسی نیز مربوط به سیاست، نظام سیاسی و فرآیندهای سیاسی است؛ بنابراین، به‌طور کلی، امنیت سیاسی به مفهوم حفاظت و محافظت از نظام سیاسی، فرآیندهای سیاسی و نظم سیاسی در برابر تهدیدها و خطرها استفاده می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۸: ۳۲).

امنیت انتظامی: امنیت انتظامی یک مفهوم گسترده است که به حفاظت از امنیت و نظم داخلی کشورها اشاره دارد. این امنیت به اطلاعات، منافع، اموال و حفظ زندگی طبیعی و اجتماعی شهروندان کشورها مرتبط است. امنیت انتظامی دربرگیرنده مسائلی چون حفظ نظم عمومی، مبارزه با جرم و جنایت، حفظ حقوق انسانی، پیشگیری از تروریسم، حفاظت از مرزها و مدیریت بحران‌ها است. جستجو در ابواب و مباحث فقهی، نشانگر توجه فقها به مسئله آمادگی نیروهای انتظامی برای حراست و حفظ کیان اسلامی است (نباتیان، ۱۴۰۰: ۱۲۹).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر که ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد، با رویکرد کیفی بر پایه مطالعات اسنادی و تجزیه و تحلیل مقالات علمی انجام شده است و مطالب فقهی و حقوقی مرتبط با امنیت انتظامی و سیاسی اسلامی در آن مورد بررسی قرار گرفته است. مطالب با ابزار فیش برداری گردآوری و پس از کدگذاری، تجزیه و تحلیل کیفی شد. کدهای احصاشده به تأیید دو متخصص رسید و پس از دریافت نظرات اصلاحی و انجام اصلاحات موردنظر به‌عنوان گزارش نهایی ارائه شد.

یافته‌ها

در فقه امامیه، اسناد و منابع مرجعی وجود دارد که در زمینه امنیت انتظامی - سیاسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این منابع شامل کتاب‌های فقهی، رساله‌ها، اجتهادات مراجع تقلید و فتاوی معتبر است. این اسناد، بازنگری شده و براساس

اصول و قواعد فقهی شیعه، توسط عالمان، مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از جمله می‌توان به کتاب فقه و امنیت (امنیت پژوهی در تراث فقه شیعه) اثر محمداسماعیل نباتیان و آیات الاحکام عمیدزنجانی اشاره کرد که دارای بخش‌هایی هستند که به مسائل امنیتی می‌پردازند. این بخش‌ها که شامل احکام مربوط به حفظ نظم و امنیت، قوانین مربوط به مبارزه با بی‌نظمی‌ها و ضوابطی برای حفظ امنیت عمومی و خصوصی هستند، به‌طور خاص بررسی شده‌اند و می‌توانند و برای ارائه راهکارهای عملی به مسئولان امنیتی و سیاسی، مورد توجه قرار گیرند. همچنین، در این منابع، تأکید بر لزوم حفظ امنیت و ثبات در جامعه به‌عنوان یکی از اصول اساسی حکومت اسلامی و ضرورت اتخاذ اقدامات لازم برای اطمینان از امنیت افراد و اموال، به‌شدت احساس می‌شود. این اصول و ضوابط، براساس تفسیر آیات قرآن، روایاتی از اهل بیت (ع) و اجتهادات مراجع تقلید، به‌شکلی جامع و منظم ارائه شده‌اند.

بخشی از قواعد فقه سیاسی جنبه اجتماعی داشته و در مباحث فقهی که برخاسته از زندگی جمعی انسان است، به‌کار می‌روند. بدیهی است که نقش حکومت در زندگی جمعی باعث شده است که فقه سیاسی در این‌گونه مباحث نیز وارد شود و به‌تبع آن، قواعدی نیز در این عرصه پدیدار شوند. در اینجا، برخی از قواعد شاخص در حیطه قواعد سیاسی مرتبط با امنیت انتظامی - سیاسی اشاره می‌شود:

الف. قاعده عدالت و رعایت انصاف

یکی از راهکارهایی که نقش بسیار مهمی را در تأمین امنیت انتظامی - سیاسی جامعه برعهده دارد، ترویج عدل و انصاف است (شریعتی، ۱۳۹۳: ۲۳۸) و خداوند در آیات متعددی در کتاب وحی به این مهم اشاره دارد؛ به‌عنوان مثال، در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» و نیز در آیه ۵۸ سوره نساء آمده است: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ». از این آیات چنین برمی‌آید که یکی از خطوط کلی در قانون‌گذاری و اجرای قانون برای برقراری امنیت در حیطه سیاسی و انتظامی، مبنا قرار دادن عدالت و ترویج آن است و فقه سیاسی

که حکومت فلسفه آن به‌شمار می‌رود نیز باید آن را رعایت نموده و مبنا قرار دهد (شریعتی، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

از جمله دلایل این مدعا آن است که در وهله اول، عدالت و انصاف در جامعه باعث ایجاد اعتماد عمومی و استقرار ثبات اجتماعی می‌شود. وقوع نابرابری‌ها، تبعیض‌ها و ناعدالتی‌ها می‌تواند منجر به ناامنی و عدم استحکام نظام سیاسی و اجتماعی شود و این اعتماد و ثبات اجتماعی، پایه‌ای برای امنیت انتظامی - سیاسی را فراهم می‌کند. در جایگاه بعد، ترویج عدالت و انصاف منجر به افزایش شفافیت و اعتماد به نظام قضایی و انتظامی می‌شود؛ زیرا هرگونه فرآیند قضایی یا انتظامی که با عدالت و انصاف انجام شود، اعتماد عمومی را به آن نظام تقویت می‌کند و این اعتماد، به‌نوبه‌خود، منجر به تأمین امنیت انتظامی - سیاسی می‌شود؛ زیرا افراد از نظام قانونی و حکومتی که به عدالت عمل می‌کند، حمایت و با آن همکاری می‌کنند و درنهایت، ترویج عدالت و انصاف منجر به کاهش جرم‌ها و ناامنی‌های اجتماعی می‌شود؛ زیرا وجود نظامی عادلانه و عدالت‌مند، افراد را از ارتکاب جرم‌ها و تخلفات منع می‌کند و نگرانی‌های امنیتی را کاهش می‌دهد.

از دیگر دلایل مستند این قاعده، آیه ۱۳ سوره حجرات است که می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)؛ «ای مردم! به درستی که ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت (گروه گروه) و قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را شناسایی کنید؛ درحقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست. خداوند دانای آگاه است». مطابق این آیه، همه انسان‌ها از یک زن و مرد خلق شده‌اند و هیچ چیز جز تقوا سبب برتری فردی بر فرد دیگر نیست. نسب، قومیت، نژاد، رنگ و مانند آن سبب تفاخر نمی‌شود بلکه تمام این موارد، عوارضی هستند که براساس اهدافی مانند سهولت شناسایی افراد برای هم ایجاد شده‌است.

مستند دیگر این قاعده، روایت پیامبر(ص) در ضمن خطبه‌ای در حجه‌الوداع است که فرمودند: «ای مردم! به‌درستی که پروردگار شما یکی است و پدرتان یکی و همه شما از آدم‌اید و آدم از خاک است. به‌درستی که ارجمندترین شما

نزد خدا باتقواترین شماسست و برای هیچ عربی بر عجمی برتری نیست؛ جز به تقوا. آگاه باشید! آیا رساندم [پیام الهی را]؟ گفتند: آری. فرمود: هرکس حاضر است به غایبان این پیام را برساند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۷).

حضرت امیر(ع) نیز در مورد رعایت انصاف با مردم خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ، وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوَى مِنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمُ» (دشتی، ۱۳۸۴: ۲۰۰). با نگاه به مستندات و دلایل ذکرشده، باید گفت که قاعده انصاف به معنای عدم تبعیض در جامعه است و این مفاهیم، اساساً به ایجاد حالتی از ثبات و توازن در اجتماع کمک می‌کنند که از نظر سیاسی، به امنیت سیاسی منجر خواهد شد؛ زیرا هرگونه نابرابری و تبعیض، اعتماد به نظام سیاسی را تضعیف می‌کند؛ درحالی‌که اعتماد به نظام، یکی از عوامل اصلی حفظ امنیت انتظامی - سیاسی به‌شمار می‌رود. همچنین، این اصل مشارکت شهروندی را افزایش می‌دهد؛ زیرا افراد احساس می‌کنند که در جامعه‌ای که همه باهم برابرند، صدایشان شنیده می‌شود. ازسوی دیگر، ایجاد اعتماد عمومی و استقرار ثبات اجتماعی، افزایش شفافیت و اعتماد به نظام قضایی و انتظامی و کاهش جرم‌ها و ناامنی‌های اجتماعی، از دیگر نتایج است که می‌شود به آن اشاره کرد.

در راستای مستندات این قاعده، از حضرت فاطمه‌الزهرا(س) چنین روایت شده‌است: قَرْضٌ ... الْعَدْلُ تَسْكِينًا لِلْقُلُوبِ^۱ (صدوق، ۱۳۹۷: ۲۴۸). چنان‌که در تعبیر ایشان به‌صورت خلاصه و دقیق آمده‌است، شأن عدالت به‌صورتی است که اطمینان را - که سرحد امنیت است - به ارمغان می‌آورد. به‌عبارت‌دیگر، فلسفه عدالت و فلسفه امنیت در تضاد نیستند؛ بلکه این دو با یکدیگر در تعامل هستند؛ به‌همین دلیل است که ممکن است در تقدم و تأخر برآیند اما هرگز به تعارض نخواهند رسید. به‌عبارت‌دیگر، عدالت و امنیت دارای شأن‌های بنیادی و کارکردی هستند و در ارتباط دوسویه‌شان به تعارض نمی‌رسند. درواقع، بین شأن‌های بنیادی عدالت و امنیت، اولویت وجود دارد و نمی‌توان از امنیتی پایدار و رضایت‌بخش، بدون وجود برداشتی صحیح از عدالت صحبت کرد؛ به‌طوری‌که کارکرد امنیت بر کارکرد عدالت مقدم

۱. خداوند عدالت را برای آرامش دل‌ها واجب فرمود.

می‌شود. به عبارت ساده‌تر، فضیلتی که از ارزش کاربردی بالاتری برخوردار است، حسب مصلحت عمومی، اولویت می‌یابد (افتخاری، ۱۳۸۸: ۷۴). می‌توان چنین بیان داشت که این اصل به حفظ امنیت اجتماعی کمک می‌کند؛ زیرا افراد احساس می‌کنند که همه در برابر قانون برابر و از عدالت برخوردارند.

از مستندات دیگر این قاعده، می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

۱ - «وَوَاتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَّا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»
(انعام/۱۱۵)^۱

۲ - «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ» (نحل/۹۰)^۲

۳ - «وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نسا/۵۸)^۳

۴ - «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵)^۴

۵ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ...» (نسا/۱۳۵)^۵

باتوجه به مستندات ذکر شده، باید گفت که قاعده عدالت زیربنای بسیاری از احکام فقهی است که فقه سیاسی از بارزترین آنها به‌شمار می‌رود و این قاعده در ابعاد سیاسی و اجتماعی، موجب افزایش شفافیت در امور است که موجب اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و سیاسی، تقویت ارتباط مثبت میان مردم و دولت در جهت حفظ و پایداری نظام و افزایش مشارکت مردم در نظارت بر فعالیت‌های دولتی می‌شود. دلیل این مدعا آن است که شفافیت در اداره امور منجر به افزایش اعتماد عمومی به دولت و نهادهای اجرایی می‌شود. وقوع فساد و فرار مالیاتی کاهش می‌یابد و افراد از اعتماد بیشتری نسبت به نظام حاکمیتی خود برخوردار می‌شوند. در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، از حضرت امیر(ع) خطاب به مالک اشتر چنین

۱. کلام خدای تو از روی راستی و عدالت به حد کمال رسید و هیچکس تبدیل و تغییر آن کلمات نتواند کرد و او خدای شنوا و داناست.
۲. همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید.
۳. همانا خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید.
۴. همانا ما پیمبران خود را با آله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.
۵. ای اهل ایمان! نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید؛ هرچند که بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد.

آمده است: «وَإِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةُ بِكَ خَيْفًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بِعُذْرِكَ، وَاعْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِإِصْحَارِكَ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ، وَرِفْقًا بِرَعِيَّتِكَ، وَإِعْذَارًا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ» (دشتی، ۱۳۸۴: ۲۷۳). این عبارت بیانگر قاعده اصحار در حکمرانی است؛ به این معنا که مانند صحرا که فضایی باز بوده و همه چیز در آن قابل رویت است، تمام امور به صورت شفاف در محضر مردم باشد؛ زیرا این شفافیت به اعتماد و تقویت پایه‌های امنیتی کشور کمک می‌کند و موجب افزایش امنیت انتظامی - سیاسی می‌شود (جهانبین، ۱۳۹۸).

درواقع، شفافیت در اداره امور، باعث کاهش فساد و بهبود مدیریت منابع عمومی می‌شود و اطلاعات به‌طور آزادانه در دسترس عموم قرار می‌گیرد و این امر موجب مشارکت بیشتر مردم در نظارت بر فعالیت‌های دولتی می‌شود. این نظارت مداوم از طرف اجتماع موجب اصلاح و بهبود روند اداری و تصمیم‌گیری می‌شود که در نهایت، به تقویت امنیت سیاسی و استقرار ارتباط مثبت میان مردم و دولت کمک می‌کند.

از دیگر راهکارهای قاعده عدالت در تأمین امنیت سیاسی، حفظ استقرار و پایداری یک کشور در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی است. خداوند در آیه ۳۳ سوره اعراف می‌فرماید: «... إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْأِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ»^۱ و امام علی (ع) نیز در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّهَا النَّاسُ إِنْ الْبَغْيَ يَقُودُوا أَصْحَابَهُ إِلَى النَّارِ»^۲ (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۳۴۷) و این حاکی از اهمیت این امر از دیرباز تاکنون است. اما در عصر حاضر، مفهوم امنیت سیاسی نخستین بار توسط باری بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» مطرح شد. باری بوزان در آثار خود به اهمیت امنیت سیاسی در چارچوب امنیت ملی اشاره کرده و این مفهوم را به‌عنوان مفهومی نوین در مباحث امنیتی معرفی کرده است. تفکیک امنیت سیاسی از دیگر وجوه امنیت، امری پیچیده است و شامل مسائلی چون پایداری نظام سیاسی، حفظ حکومت، پیشگیری از نقض امنیت داخلی و خارجی و نیز ایجاد تعادل در قدرت‌های

۱. به‌درستی که پروردگرم کارهای زشت آشکار و پنهان و گناه و بغی ناحق علیه حکومت حق را حرام کرده است.

۲. ای مردم! به‌درستی که بغی، یاران و اصحابش را به‌سوی آتش رهنمون می‌سازد.

سیاسی است (ربیعی ۱۳۸۳: ۱۳۷). امنیت سیاسی در واقع، به اموری کاملاً سیاسی مرتبط است و تمامی تهدیدها و نیازمندی‌های دفاعی در برابر آن، به شیوه‌های سیاسی تعریف و اداره می‌شوند. باری بوزان نیز در این خصوص، بر اهمیت حفظ ثبات سازمانی دولت در برابر تهدیدهای سیاسی تأکید می‌کند. تهدیدهای سیاسی امور متنوعی را دربرمی‌گیرند؛ از اجرای فشارهای سیاسی خاص بر حکومت تا تلاش برای تغییر حکومت و حتی تفتیش کالبد سیاسی دولت به منظور تضعیف آن. به‌طور کلی، تهدیدهای سیاسی معمولاً پیش‌از حملات نظامی به کار می‌روند و برای دستیابی به اهداف سیاسی خاص طراحی و اجرا می‌شوند (بوزان، ۱۳۸۶: ۲۱۷).

امنیت ملی در بُعد سیاسی، مسائلی همچون ساختار دولت و توانمندی آن، کارآمدی و مشروعیت امنیت دولت، نقش احزاب و تأثیر آنها بر مشروعیت نظام سیاسی، مسائل مرتبط با قومیت‌ها و اقلیت‌ها در جامعه، میزان نهادینه‌سازی جامعه مدنی در کشورها و روش‌های مشارکت سیاسی را دربرمی‌گیرد؛ به‌عنوان مثال، ساختار دولت و توانمندی آن می‌تواند مسائل مهمی مانند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها را تحت تأثیر قرار دهد؛ همچنین، کارآمدی دولت و مشروعیت آن در نظرسنجی مردم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. احزاب سیاسی نیز نقش مهمی را در تعیین مشروعیت و پایداری نظام سیاسی ایفا می‌کنند. در مورد قومیت‌ها و اقلیت‌ها، توجه به تعاملات و روابط میان آنها و دولت می‌تواند امنیت سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، نهادینه‌سازی جامعه مدنی به افزایش شفافیت و مشارکت عمومی کمک کرده و راه‌های بهبود شیوه‌های مشارکت سیاسی را فراهم می‌آورد (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

احزاب سیاسی نیز نقش مهمی را در شکل‌گیری سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی برعهده دارند؛ از جمله گروه‌های صاحب‌نفوذ تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دولت، دیوان‌سالاری حکومتی در تصویب قوانین و مقررات دولتی، قوه مجریه که اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های دولت را برعهده دارد، قوه مقننه که قوانین و مقررات را تدوین می‌کند، قوه قضائیه که وظیفه اعمال قوانین و داوری در اختلافات حقوقی را داراست، ارتش که نقش تأمین امنیت را عهده‌دار است،

دانشجویان و انجمن‌های اولیه مانند جماعت‌های خویشاوندی یا گروه‌های قومی و قبیله‌ای که جریان‌های سیاسی را شکل می‌دهند، رهبران فکری که نظرات و عقاید مختلف را ارائه می‌دهند، ارزش‌ها و عقاید توده مردم که بر تصمیم‌گیری‌ها و انتخابات سیاسی تأثیر می‌گذارد و نیز رسانه‌های ارتباطی که کار اطلاع‌رسانی و تبلیغات سیاسی را انجام می‌دهند (واحدی، ۱۳۹۵: ۷۳).

ب. قاعده حفظ حقوق انسانی

یکی از اهداف شریعت در تشکیل نظام و حکومت، ایجاد امنیت در جامعه اسلامی است؛ چه از منظر سیاسی و چه از منظر انتظامی. شارع مقدس به طرق مختلف بر اهمیت ایجاد امنیت تأکید داشته‌است؛ تاجایی که در صورت اخلال در نظم و امنیت و آسیب‌رسیدن به جان انسان‌ها، امنیت به‌عنوان بدیهی‌ترین حق، مورد پیگیری قرار خواهد گرفت (شریعتی، ۱۳۹۳: ۳۷۱). مستند این امر، کلام وحی در آیه ۱۵۱ سوره انعام است که می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»^۱. همچنین، آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده که فرموده‌است: «هر کس فردی را جز به قصاص یا فساد در زمین بکشد، چنان‌است که گویی همه مردم را کشته است».

امام علی (ع) در نامه خود خطاب به مالک‌اشتر می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالذَّمَّاءَ وَسَفْكَهَا بَعِيْرٌ حِلْهَا؛ بر حذر می‌دارم تو را از خون‌ها و ریختن آنها بر وجه غیر حلال» (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۵۳). آیات بی‌شمار دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارد که بر حفظ حرمت جان انسان بی‌گناه تأکید دارد؛ چراکه عدم حفظ حرمت جان، نظام اجتماعی انسان‌ها را که همگی از حق بهره‌مندی از امنیت برخوردارند، برهم می‌زند. شایان ذکر است که از دیدگاه تمامی فقهاء، این امر که «خون مسلمان هدر نمی‌رود» (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۳۶) مورد توافق است و به‌گفته صاحب جواهر، اختلافی در آن وجود ندارد؛ بلکه برخی ادعای اجماع بر آن را نیز مطرح کرده‌اند.

از جمله راهکارهای اساسی ذیل این قاعده در تأمین امنیت انتظامی - سیاسی، تقویت نظام قضایی است. این تقویت می‌تواند به چندین شکل مؤثر باشد؛ اول، ارتقای کیفیت و کارآمدی و عدالت دستگاه قضایی که به اجرای عادلانه و سریع قانون کمک می‌کند و در نتیجه، افراد نسبت به عدالت، اعتماد بیشتری پیدا کرده

۱. و نفسی را که خدا حرام کرده (محترم شمرده) جز به حق به قتل نرسانید.

و تمایل به انجام اعمال غیرقانونی کاهش می‌یابد. در واقع، یکی از شاخص‌های عدالت قضایی در سیره علوی، آن است که قضاوت روا نیست مگر براساس کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و اجتهاد امام مسلمین یا فقها و هیچ حکمی جز این، صحیح نیست. امیرالمؤمنین علی (ع) این مبنا را در احادیث متعددی توضیح داده‌است (موسوی بجنوردی و روحانی، ۱۳۹۰: ۲۵). ایشان در عهدنامه معروف مالک اشتر می‌فرماید: «به قاضیان شهر بنویس که هر حکمی را که در آن اختلاف دارند، نزد تو بفرستند؛ سپس این حکم‌ها را بررسی کن و هر کدام که موافق کتاب خدا و سنت پیامبر و سخن امام تو بود، آن را امضا و ایشان را بر آن وادار کن. در مورد آنچه بر تو مشتبه شده است نیز فقها را گردآور و با آنها در این باب سخن بگو؛ بعد آنچه را فقیهان در محضر تو بر آن یک سخن شده‌اند، بپذیر؛ زیرا هر امری که رعیت در آن اختلاف کنند، به حکم امام برگردانده می‌شود و بر امام است که با استعانت از خدا، در اقامه حدود و واداشتن مردم به فرمان خدا بکوشد» (دشتی، ۱۳۸۴: ۲۶۹).

براین اساس، می‌توان گفت که اعتماد مردم به نظام قضایی، به‌عنوان یکی از ستون‌های امنیتی، پایه‌های استقرار امنیت سیاسی را تقویت می‌کند و نظام قضایی را قادر می‌سازد که در پیشگیری و مبارزه با جرم‌ها و تخلفات، از جمله جرایم سیاسی، نقش مؤثرتری را ایفا کند. با اعمال عدالت و اجرای قوانین، افراد تمایل کمتری به انجام فعالیت‌های غیرقانونی خواهندداشت و این‌گونه، امنیت در جامعه افزایش می‌یابد. این اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده، از افزایش جرم و جنایت جلوگیری کرده و امنیت انتظامی - سیاسی را به‌طور کلی، تأمین می‌کنند.

درنهایت، این اصل بر اهمیت حفظ حقوق اساسی انسان هم‌زمان با تأمین امنیت، تأکید دارد. این حقوق باید در تمامی اقدامات امنیتی رعایت شوند تا از وقوع هرگونه سوءاستفاده و ستم جلوگیری شود؛ چراکه رعایت حقوق انسانی به افزایش اعتماد عمومی و پایداری نظام اسلامی کمک می‌کند و این امر موجب ارتقای کیفیت و کارآمدی و رواج عدالت دستگاه قضایی، اعتماد مردم به نظام قضایی و پیشگیری و مبارزه با جرم‌ها و تخلفات می‌شود.

ج. قاعده حفظ نظام

یکی از قواعد و اصولی که از دیرباز در روایات معصومین (علیهم‌السلام) و به تبع آن در فقه، از ضرورت‌های اجتماع انسانی قلمداد شده و مرتبط با مسئله امنیت انتظامی - سیاسی است، بحث حفظ نظام است. شیخ مفید در امالی از پیامبر(ص) چنین نقل کرده است: «اسْمَعُوا و أَطِيعُوا لِمَنْ وُلاَهُ اللَّهُ الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ»^۱. آخوند خراسانی می‌گوید: «احتیاط کامل اگر موجب عسر و حرج و اختلال نظام گردد، واجب نیست» (خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۵۸). امام خمینی(ره) نیز در استدلال بر بطلان احتیاط در همه وقایع، یکی از دلایل را لزوم عسر و حرج بلکه اختلال نظام می‌داند (خمینی، ۱۳۷۲: ۳۶۴).

معنای دیگری که فقهای شیعه از اصطلاح «حفظ نظام» قصد کرده‌اند، حراست از کیان کشور اسلامی و مسلمانان در برابر هجوم دشمنان است. به گفته صاحب جواهر، «هرگاه کفار به دنبال محو و نابودی اسلام و از بین بردن و فرسوده کردن شعائر آن و محو یاد پیامبر و دین او باشند، جهاد در این هنگام واجب است» (نجفی، ۱۳۹۲: ۴۷). با استناد به حدیث پیامبر(ص) و کلام فقها می‌توان چنین استنباط کرد که چون اخلال در نظام، سبب برهم‌زدن مسئله امنیت شده و شأن اجتماعی و مناسبات و ارتباطات اجتماعی را دچار هرج و مرج می‌سازد، به همین دلیل، این قاعده از قواعد مورد توجه در بحث امنیت انتظامی - سیاسی به‌شمار می‌رود و در نتیجه، حفظ نظام از واجبات است (شریعتی، ۱۳۹۳: ۲۵۵). همچنین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این اصل به امنیت سیاسی کشور کمک می‌کند؛ زیرا نظامی که در آن نظم و امنیت وجود دارد، در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی مقاوم‌تر است و در نهایت، می‌توان گفت که این قاعده از بُعد نظامی، سبب بازدارندگی در برابر تهدیدات و قدرت و توانایی در میدان خواهد بود.

تولید سلاح جدید و مناسب زمان، از جمله راهکارهای ذیل این قاعده است؛ چراکه در اعصار گوناگون، نقش تولید سلاح‌های جدید و مجهز در تأمین امنیت انتظامی - سیاسی بسیار حیاتی و حساس بوده است؛ زیرا برخورداری از سلاح، خود،

۱. از فردی که خدا حکومت (امر) را به او سپرده پیروی کنید و سخن او را گوش کنید؛ به درستی که این کار نظم‌دهنده نظام اسلامی است.

عاملی بازدارنده در برابر تهدیدهای دشمنان به حساب می‌آید. از آنجاکه با پیشرفت علم و فناوری، ابزار تهدیدها نیز تغییر یافته است، به همین جهت، ضروری است که با استفاده از دانش روز و فناوری در برابر تهدیدهای امنیتی به مقابله پرداخت. اسلحه‌های جدید و مجهز با توانایی بالا، دقت بالا و توانایی مبارزه در شرایط مختلف، در جهان امروز، به نوعی، تضمین‌کننده امنیت انتظامی - سیاسی هستند. تولید اسلحه جدید و مجهز، به کشورها امکان می‌دهد تا بتوانند به بهترین شکل ممکن، با تهدیدهای امنیتی مواجه شده و قدرت نظامی و انتظامی خود را تقویت نمایند. اسلحه‌های پیشرفته باعث می‌شوند که نیروهای نظامی و انتظامی بتوانند به جلوه و اهمیتی بیشتر در دید دشمنان خود دست‌یابند و در جلوگیری از تهدیدهای امنیتی به شکل موثرتری برخورد کنند. مصداق بارز این مسئله، کلام وحی در آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال است که می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَنْتُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ» برای مقابله با آنها (دشمنان)، هر چه در توان دارید از نیرو و از اسب‌های ورزیده آماده سازید تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن [شناخته شده] خویش را بترسانید». قرآن آهن را ماده اصلی در ساخت سلاح و زره معرفی کرده و چگونگی ساخت زره را بیان می‌کند. همچنین، در سوره عادیات، خداوند به اسب‌های لشکر اسلام که از برخورد سم‌های آنها بر سنگ‌ها برق می‌جهد، قسم یاد کرده است و این امر، خود، موید اهمیت سلاح در حفظ امنیت است؛ بنابراین، نقش تولید و استفاده از سلاح جدید و مجهز در تأمین امنیت انتظامی - سیاسی، امری غیرقابل انکار است و حکومت‌ها باید با دقت و مسئولیت بیشتری این موضوع را مورد توجه قرار دهند تا بتوانند به بهترین شکل ممکن، از توان نظامی و انتظامی خود استفاده کرده و امنیت کشور و ملت را حفظ کنند.

د. قاعده امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از اصول اسلامی و در واقع، یک نظام مهم اخلاقی و اجتماعی، نقش بسیار مهمی را در تأمین امنیت انتظامی - سیاسی بر عهده دارد. این اصل در واقع، به معنای فرمان دادن به خیر و جلوگیری از منکر است و در پیشگیری از وقوع جرم و تخریب امنیت اجتماعی

نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه انگیزه‌هایی برای اجتماعی‌سازی پدید آورده و عاملی برای تأسیس امنیت انتظامی - سیاسی است. افرادی که پای‌بند به ارزش‌های اخلاقی هستند و در نهایت، برای تأمین امنیت پایدار در جامعه مشارکت کنند، می‌توانند به موثرترین شکل در تحقق این هدف شرکت کنند. به‌علاوه، امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند به نهادهای امنیتی و نظامی در برنامه‌ریزی و ارتقای استانداردهای امنیتی و اداره مناسب منابع و توانمندی‌ها کمک کند. این اصل می‌تواند منجر به تقویت هویت ملی و اجتماعی شده و از آن پشتیبانی کند.

از نظر امام علی (ع) اهمیت امر به معروف و نهی از منکر بالاتر از جهاد است؛ آنجاکه می‌فرماید: «تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون قطره‌ای است در برابر دریای پهناور» (عاملی، ۱۴۱۴: ۳۱۴). با توجه به فرمایش ایشان، امر به معروف و نهی از منکر اهمیت بیشتری نسبت به جهاد دارد و به نظر می‌رسد که علت این درجه از اهمیت، آن است که این فریضه، با دعوت به انجام امور نیک و کارهای خداپسندانه در راه اصلاح جامعه کمک می‌کند و حق آن است که نخست، جامعه اصلاح شود تا از رهگذر آن، بتوان با دشمنان و خطرات خارجی مقابله کرد؛ زیرا به‌طور حتم، یک جامعه فاسد نمی‌تواند با جهاد، امت را به سمت توحید ترغیب کند.

از دیگر مستندات این قاعده این است که خداوند در سوره ممتحنه، خط‌مشی دوستی با کفار و دشمنی با آنان و علل و عوامل و پیامدهای آن را به وضوح بیان کرده است و دوستی با کفار را در درجه بالا نهی کرده و علل این نهی را نیز بیان داشته است. البته خداوند این دوستی را ظاهری دانسته و برای آرامش قلبی مسلمانان، جدایی ابراهیم (ع) و یارانش از قومشان را مثال آورده است؛ زیرا آنها به قوم خود گفتند که تا زمانی که خدا را نپرستید، دشمنی ما ادامه خواهد داشت و در نهایت، به مسلمانان امید می‌دهد که خدا به زودی بین شما و مشرکان - با مسلمان شدن آنان - پیمان دوستی برقرار می‌سازد.

آیات بعد سوره^۱ برای مسلمانان روشن می‌کند که می‌توانند نسبت به

کسانی که رفتاری خصمانه با آنها نداشته‌اند، نیکی کرده و به اصطلاح، دوستی ظاهری را برقرار کنند. در این آیات، ملاک نهی و عدم نهی، جنگ با مسلمانان و اخراج آنها از شهر و دیارشان دانسته شده‌است و البته مسلمانان را نهی فرموده است که کفار را سرپرست خویش قرار ندهند و این نهی بارها در قرآن آمده و مورد تأکید قرار گرفته‌است.

در آیات دیگری نیز مؤمنان از دوستی با کفار و سرپرست قرار دادن آنها - گرچه پدر و مادرشان باشند - نهی شده و به وحدت و حل اختلافات داخلی فراخوانده شده‌اند: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ محمد پیامبر خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران سختگیر و با یکدیگر مهربان‌اند». این آیه به صورت خبری، خطمشی کلی مسلمانان را در دوستی‌ها و دشمنی‌ها بیان کرده‌است.

از راهکارهای مرتبط با این قاعده، می‌توان به توسعه آموزش و فرهنگ‌سازی اشاره کرد که ارتباطی مستقیم با تقویت امنیت انتظامی - سیاسی دارد؛ زیرا آموزش و فرهنگ‌سازی موجب افزایش آگاهی عمومی درباره قوانین و مقررات اجتماعی و سیاسی شده و به تقویت نظم و انضباط اجتماعی کمک می‌کند. آگاهی افراد از حقوق و وظایفشان به‌عنوان شهروند، تضمین‌کننده احترام به قوانین و حفظ امنیت اجتماعی است. از بُعد دیگر، آموزش و فرهنگ‌سازی منجر به تقویت هویت ملی و ارتباطات اجتماعی سالم می‌شود و افرادی که با ارزش‌ها و اصول فرهنگی و ملی آشنا هستند، احتمالاً کمتر دچار تخلف می‌شوند و در حفظ امنیت جامعه به شکل مؤثرتری عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که ارتقای سطح آموزش و فرهنگ‌سازی، بهبود نگرش‌ها و رفتارهای افراد را نسبت به مسائل امنیتی تقویت می‌کند. در آیه ۲۶۹ سوره بقره آمده‌است: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ». این آیه نشان می‌دهد که افراد آگاه، از خطرات موجود در جامعه دوری کرده و بهتر به راهکارهای پیشگیری از جرم و تخلفات مجهز هستند و این امر به تقویت امنیت انتظامی - سیاسی کمک می‌کند.

از دیگر راهکارهای قاعده امر به معروف و نهی از منکر، همکاری مراجع دینی و مسئولان دولتی در نیل به اهداف پیش‌گفته است که از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ زیرا این تعامل می‌تواند به وحدت، تعادل و ثبات اجتماعی و سیاسی کمک کند. مراد از وحدت، این است که با وجود اختلاف‌ها، نسبت به هم همدلی پیدا کنند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و مصالح متقابل را رعایت کنند. برخی وحدت را به معنای کنار گذاشتن اصول و حتی اختلاف فکری و اعتقادی بنیادین نیز دانسته‌اند (الفراهیدی، ۱۳۸۸: ۲۸۰). خداوند در آیه ۵۹ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای اهل ایمان! فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند را اطاعت کنید». این آیه، به طور کلی، به اهمیت اطاعت از پیامبر (ص) و روشن شدن حقایق برای مؤمنان اشاره نموده است که می‌تواند به‌طور غیرمستقیم به همکاری میان مراجع دینی و مسئولان دولتی در راستای اهداف اسلامی کمک کند.

باید توجه داشت که ارتقای سطح آگاهی و اعتقادات مردم، از جمله ارزش‌های اجتماعی و دینی، موجب تقویت همبستگی و وحدت ملی نیز می‌شود و این ارتباط می‌تواند عاملی در پیشگیری از بروز اضطراب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و سیاسی محسوب شود. همچنین، با توجه به تأثیر مراجع دینی بر افکار و عقاید عمومی مردم، همکاری آنها با مسئولان دولتی می‌تواند به ارتقای امنیت سیاسی کشور و جلوگیری از انحرافات و تشدید تنش‌های اجتماعی کمک کند. علاوه بر این، همکاری میان مراجع دینی و مسئولان دولتی می‌تواند در تحقق اصول اخلاقی و انسانی دینی، نقش مهمی را ایفا کرده و به برقراری عدالت اجتماعی و ارتقای حقوق بشر کمک کند. این ارتباط می‌تواند به ایجاد یک سیاست سازگار با ارزش‌های دینی و تأکید بر حل و فصل دیپلماتیک اختلافات منجر شود که از طریق آن، امنیت انتظامی - سیاسی کشور تقویت می‌شود. در نتیجه، این اصل به افزایش آگاهی عمومی و افزایش حس مسئولیت اجتماعی در میان افراد منجر می‌شود که در نهایت، به حفظ امنیت اجتماعی و پایداری نظام اسلامی کمک می‌کند. افزایش آگاهی عمومی، تقویت نظم و انضباط اجتماعی، تقویت هویت ملی و ارتباطات اجتماعی، افزایش

اعتماد عمومی به دولت و نهادهای اجرایی و افزایش مشارکت عمومی در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، از دیگر ابعاد مورد توجه این قاعده است. خلاصه آنچه در باب قواعد فقهی گفته شد، در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. راهکارهای تأمین امنیت انتظامی - سیاسی از نظر فقه امامیه

| متناسب با بُعد | راهکار استخراج شده | یافته فقهی |
|----------------|-----------------------------------|----------------------------------|
| اجتماعی | افزایش شفافیت در اداره امور | قاعده عدالت و رعایت انصاف |
| سیاسی | حفظ استحکام و پایداری نظام سیاسی | |
| حقوقی | تقویت نظام قضایی | قاعده حفظ حقوق انسانی |
| نظامی | تولید سلاح جدید و مناسب زمان | قاعده حفظ نظام |
| اجتماعی | همکاری مراجع دینی و مسئولان دولتی | قاعده امر به معروف و نهی از منکر |
| فرهنگی | ارتقای آموزش و فرهنگ‌سازی | |

بحث و نتیجه‌گیری

امنیت انتظامی - سیاسی به‌عنوان عامل حفظ استقرار و پایداری یک کشور در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی تعریف می‌شود. مطابق قواعد فقهی، تأمین امنیت انتظامی - سیاسی یک وظیفه مهم است و نقش مهمی را در تعالی جوامع ایفا می‌کند و باعث ارتقای سطح امنیت و ثبات جوامع می‌شود. اسلام به‌عنوان یک دین جامعه‌شناختی و اخلاقی، به اصول و مفاهیم فقهی در حوزه امنیت سیاسی توجه زیادی دارد. قواعد فقه سیاسی در راستای تأمین امنیت انتظامی - سیاسی، شامل مضامینی مانند عدالت، مساوات، رعایت انصاف، حفظ حقوق انسانی، حفظ نظام و امر به معروف و نهی از منکر است. از این قواعد، راهکارهایی از جمله افزایش شفافیت در اداره امور، حفظ استحکام و پایداری نظام سیاسی، تقویت نظام قضایی، تولید سلاح جدید و مناسب زمان، همکاری مراجع دینی و مسئولان دولتی و ارتقای آموزش و فرهنگ‌سازی استخراج گردیده‌است که در نتیجه آن، امنیت انتظامی - سیاسی را تأمین خواهد شد.

قاعده حفظ نظام - که از یافته‌های این پژوهش است - با یافته‌های باقرزاده و همکاران (۱۳۹۳) به این دلیل هم‌راستا است که یکی از ضروریات مسلم و اهم واجبات در اسلام را حفظ نظام می‌داند؛ اصلی که به حفظ امنیت سیاسی کشور کمک می‌کند؛ زیرا نظامی که در آن نظم و امنیت وجود دارد، در مقابل تهدیدهای

داخلی و خارجی مقاوم‌تر است و در نهایت، این قاعده از بُعد نظامی سبب بازدارندگی در برابر تهدیدات و قدرت و توانایی در میدان خواهد بود. همچنین، یافته‌ها و راهکارهای این پژوهش متناسب با ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی است و با یافته‌های علیرضاییگی (۱۳۹۹) در این خصوص که نقش حکومت در ساختار درونی اقتدار ملی در بعد داخلی، شش حوزه اساسی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و معنوی را متأثر می‌سازد، هم‌راستا است.

مطابق پژوهش حاضر، امنیت انتظامی - سیاسی یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ پایداری کشورها به‌شمار می‌رود و با توجه به نقش بسیار مهم آن، فقه اسلامی نیز به آن پرداخته و به‌عنوان تأمین‌کننده آرامش و نقطه‌آغاز پیشرفت و ترقی جامعه در نظر گرفته می‌شود. در پژوهش‌های پیشین، از جمله کرمانی و همکاران (۱۴۰۱) و رادان (۱۴۰۰) و کرمانی (۱۳۹۷)، از دیدگاه‌های مختلفی مانند مفهوم تدبیر در نظام هستی، الگوی شناخت و تحلیل محیط امنیتی، نقش راهبری دولت در استحکام و انتظام بخشی، نظم و امنیت در تمدن نوین اسلامی و نیز امنیت و نظم عمومی در اسلام به موضوع امنیت و نظم پرداخته شده است اما نوآوری پژوهش حاضر در این است که در بحث راهکارهای تأمین امنیت انتظامی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تعداد شش راهکار از منظر فقه امامیه، در خصوص موضوع استخراج نموده و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و نظامی دسته‌بندی و ارائه کرده است و نتایج بیانگر این نکته است که اسلام به‌عنوان یک دین جامعه‌محور، دستاوردهای امنیت انتظامی - سیاسی را از طریق این اصول تأمین می‌کند. شایان ذکر است که پژوهش حاضر، بیشتر از منظر فقه اسلامی و اصول دینی به موضوع نزدیک شده است و این در حالی است که پژوهش‌های گذشته از دیدگاه‌های مختلف علوم انسانی و سیاسی به موضوع پرداخته‌اند.

تقدیر و تشکر

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری تخصصی است و از این باب، حامی مالی ندارد؛ اما پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند که از تمامی کسانی که در نگارش این مقاله یاری‌گر بوده‌اند، تشکر و قدردانی کنند.

فهرست منابع

- نهج البلاغه. (۱۳۸۴). ترجمه محمد دشتی. مشهد: امامت.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۲). انوار الهدایه. تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- اسماعیلی، محسن؛ حمزه‌پور، علی. (۱۳۹۷). امنیت و نظم عمومی در اسلام با تأکید بر سیاست‌های کیفری فقه اسلامی، مطالعات راهبردی ناجا، ۳(۹)، ۴۱-۶۲.
http://ssj.jrl.police.ir/article_20351.html
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۸). نسبت عدالت و امنیت در اندیشه سیاسی شیعه، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴(۳)، ۵-۱۹.
https://www.ipsajournal.ir/article_94.html
- الفراهیدی، لابی عبد الرحمن الخلیل بن احمد (۱۳۸۸ق)، کتاب العین. بیروت: التراث.
- امین روشن، محمدقاسم. (۱۳۹۴). راهکارهای نهادینه کردن نظم در جامعه اسلامی. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- انصاری، باقر. (۱۳۸۷). حقوق ارتباط جمعی. تهران: سمت.
- باقرزاده، محمدجواد؛ امیدی‌فر، عبدالله. (۱۳۹۳). ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه. فصلنامه شیعه‌شناسی. ۱۲(۴۷)، ۲۰۰-۱۷۰.
https://www.shiitestudies.com/article_18713.html
- برزگر، شیرزاد؛ هاشمیان‌فرد، زاهد. (۱۳۹۰). اصول و کارکردهای امنیت سیاسی در اسلام. فصلنامه امنیت ملی. ۱(۲)، ۲۳۸-۲۰۹.
<https://ensani.ir/fa/article/53631>
- بوزان، باری؛ ویور، الی. (۱۳۷۸). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. مترجم: علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری. (۱۳۹۳). مردم، دولتها و هراس. مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام؛ طالبی، علی‌نقی. (۱۴۰۱). مقایسه تطبیقی مکاتب امنیتی غرب با مکتب امنیتی اسلام. فصلنامه نظریه پردازی، ۳(۱)، ۹۰-۷۱.
https://journals.sndu.ac.ir/article_2753.html
- جهانبین، فرزاد. (۱۳۹۸). ستون فرهنگ و اندیشه. تهران: خبرگزاری مهر.
- حاجی‌زاده، یدالله. (۱۳۹۶). کسب امنیت ملی از منظر امام علی (ع) با تأکید بر نقش و کارکرد نیروهای نظامی و انتظامی. مطالعات راهبردی ناجا، ۲(۶)، ۷۱-۸۷.
http://ssj.jrl.police.ir/article_91216.html

- حاضری، علی محمد. (۱۳۷۶). نظم و امنیت اجتماعی از منظر امام خمینی (ره). نشریه حضور، ۵(۱۹)، ۱۰۴ - ۱۲۰.
- <https://ensani.ir/fa/article/53631>
- حلی، حسن. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی پژوهش المذهب، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹). کفایه الاصول. قم: موسسه آل البيت.
- دهخدا، علی اکبر. (بی تا). لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- رادان، احمد رضا. (۱۴۰۰). الگوی شناخت و تحلیل محیط امنیتی. مطالعات راهبردی ناجا، ۶(۲۲)، ۳۸ - ۵.
- http://ssj.jrl.police.ir/article_98241.html
- ربیعی، علی. (۱۳۸۳). مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ساجد، علی. (بی تا). تحلیل نقش فرهنگی مزارات مشهور لاهور از قرن پنجم تا دوره معاصر. قم: جامعه المصطفی.
- صدوق، محمد بن علی بن بایویه. (۱۳۹۷). علل الشرايع، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی. قم: نشر مؤمنین.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۰). تفسیر المیزان، مترجم: محمد تقی مصباح. تهران: بنیاد علمی علامه طباطبائی.
- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). نظریه های امنیت. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصرگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- علیرضا بیگی، احمد. (۱۳۹۹). نقش راهبری دولت در استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری. مطالعات راهبردی ناجا، ۵(۱۶)، ۸۷ - ۱۱۸.
- http://ssj.jrl.police.ir/article_94802.html
- قاسمی، علی؛ قاسمی، زهیر. (۱۳۹۹). امنیت سیاسی. مشهد: به نشر.
- قریشی، علی اکبر. (۱۳۵۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کرمانی، طوبی. (۱۳۹۷). نظم و امنیت در تراز تمدن نوین اسلامی؛ نیروی انتظامی یار مهربان و مقتدر. مطالعات راهبردی ناجا، ۳(۱۰)، ۵ - ۲۳.
- http://ssj.jrl.police.ir/article_20344.html

- کرمانی، طوبی؛ ثابت، علی؛ رجبلو، جعفر؛ آبداری، ربابه. (۱۴۰۱). تدبیر و انتظام ملی. مطالعات راهبردی ناجا، ۷(۲۵)، ۷۷ - ۹۷.
http://ssj.jrl.police.ir/article_99751.html
- مازندرانی، محمدصالح بن احمد. (۱۳۸۲ق). شرح اصول کافی. تهران: مکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۶۳). قواعد فقه. تهران: سازمان سمت.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیرکبیر.
- موسوی بجنوردی، محمد؛ روحانی، سمیه. (۱۳۹۱). شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر علی (ع) با رویکرد بر آرای امام خمینی (ره). پژوهشنامه متین، ۱۴(۵۴)، ۴۱-۲۵.
https://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_61742.html
- نباتیان، محمداسماعیل. (۱۳۹۲). بررسی مبانی فقهی امنیت در نظام اسلامی با عنایت به تطور و توسعه مفهوم - امنیت. قم: دانشگاه دانشگاه معارف اسلامی.
- نباتیان، محمداسماعیل. (۱۴۰۰). فقه و امنیت. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۹۲ق). جواهرالکلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- واحدی، محمدحسین. (۱۳۹۵). درآمدی بر امنیت و سیاستگذاری امنیت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم.
- ویلیامز، میشل. (۱۳۹۵). فرهنگ و امنیت. مترجم: مهدی ذوالفقاری. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع). نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی